



بررسی فیلم تئاتر «یک بازی رویایی» در نشست سینما تک خانه هنرمندان: نسبت پرفراز و نشیب اینگمار برگمان با تئاتر

با بازیگر کار می کرد و دقیق بود و حتی او را تحت فشار قرار می داد که بازیگر چاره ای جز اینکه خوب بازی کند، نداشت. و گرنه آن فیلم به سرانجام نمی رسید و آن نمایش تمام نمی شد. بسیاری از مضامینی که در این نمایش که امروز دیدیم، وجود دارد، مضامینی است که ما در کلیت آثار برگمان می بینیم. سالی که این نمایش اجرا شده است، برگمان دو اثر از شاهکارهای خود، یعنی نور زمستانی و سکوت که از شاهکارهای تاریخ سینما هستند را کار کرده است. ما در نور زمستانی این دیدگاه و تمها را خیلی پررنگ تر می بینیم. مسائلی چون سر نوشت انسان و تردید در مورد معنای زندگی از این جمله است. نراقی در ادامه صحبت هایش گفت: چیزی که در مورد متن استریندبرگ خیلی جالب است، این بوده که ما مزه ها و زمینه های تئاتر پوچی را کاملاً در این متن می توانیم حس کنیم. نسبت برگمان با تئاتر، بسیار نسبت پرفراز و نشیبی است. او از طرفی به کار جمعی و عدم محوریت کارگردان در تئاتر بسیار علاقه داشت و تا برهه ای از زندگی خود تئاتر را به سینما از همین جهت گریز از تألیف ترجیح می داد. شاید در همین راستای پنهان کردن خود از اثر و رها کردن اثر از مولف برگمان در کارهای تئاتری خود به متن بسیار وفادار بود و آن را با سادگی اجرا میکرد. به این معنا ساده که در روند ارتباط متن یک تسهیل گر بودن عامل اخلاق. البته من مایل هستم که اثر امروز را یک فیلم تلویزیونی بنامم نه یک فیلم تئاتر چون به لحاظ بصری مایه های بسیاری از سلیقه تصویری برگمان در این اثر حاضر است. برگمان آرزویی داشت که هیچگاه محقق نشد. او می گفت دوست دارم فیلم سینمایی دو ساعته در کلوز آپ یک نفر بسازم. خوب کلوز آپ های برگمان واقعا شاهکار است. کلوز آپ و ماندن روی چهره ها در حال گذر و تغییر احساس و بیانگری آن، در آثار برگمان بسیار اهمیت دارد. ما این کلوز آپ ها را در اینجا نیز می بینیم. یک عنصر سینماتیکی در این کار وجود دارد که من بر مبنای آن ترجیح می دهم این اثر را فیلم تلویزیونی نام گذاری کنم. امیر

و برگمان از این دو متن می تواند مطالعه تطبیقی جالبی باشد. چون این دو متن از جهات بسیاری به یکدیگر شباهت هایی دارند و ما می توانیم نوع اجرایی آقای سمندر بیان و برگمان از دو متن استریندبرگ که به یکدیگر شباهت هایی دارند را ببینیم. ما تم های مذهبی در این آثار می بینیم که با نوعی از نقادی همراه است. به هر حال استریندبرگ علاوه بر ستاره شناس، گیاه شناس، پژوهشگر علوم خفیه و کیمیاگری، نویسنده و مورخ فرهنگی و غیره الهی دان هم بود. او در حال پایه گذاری چیزی بود که ما بعدتر به عنوان الهیات مشرکانه آن را می شناسیم. به نوعی به آن الهیات کفر آمیز هم می گویند. یعنی نقد دین در یک بستر دینی، یا دین گریزی با یک ادبیات دین شناسانه.

وی ادامه داد: این موضوع درباره برگمان نیز صادق است. او فرزند یک کشیش بود و در یک خانواده سخت گیر مذهبی تربیت شده است. خیلی عجیب است که تحلیل گران بسیاری برگمان را به عنوان کارگردانی مذهبی معرفی می کنند. حتی این موضوع در نقدهای خارجی نیز وجود دارد. برگمان فیلمی به نام زندان دارد که پیش از ساختن، فیلمنامه آن را برای یکی از دوستان فیلمنامه نویس خود هربرت گرونیوس فرستاده بود و دوست سوئدی او به برگمان گفته بود که این فیلمنامه خیلی دچار احساسات گرایی مذهبی است. پایان فیلمنامه در ابتدا با یک رستگاری برای شخصیت اصلی زن همراه است اما برگمان تحت تأثیر این گفته پایان آن را تغییر می دهد. او زن را در شرایطی قرار می دهد که خود کشی می کند. یعنی او تا این حد گریزان بود از اینکه چنین تعبیری از دنیا و جهانش بشود.

این منتقد در ادامه بیان کرد: برگمان بسیار روی ایده های خود پافشاری می کرد. وفادارترین بازیگر و البته معشوقه او لیو اولمان، در پاسخ به سوالی درباره اینکه چگونه بازی ها در آثار برگمان تا این حد درخشان هستند می گوید، چون چاره ای غیر از این نداشتیم. اینقدر

سی و هفتمین جلسه نمایش فیلم تئاترهای سینما تک خانه هنرمندان به نمایش و بررسی فیلم تئاتر «یک بازی رویایی» به کارگردانی اینگمار برگمان اختصاص داشت. سی و هفتمین برنامه از سلسله جلسات نمایش فیلم تئاترهای شاخص با همکاری مشترک انجمن صنفی منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر و سینما تک خانه هنرمندان ایران، به نمایش فیلم تئاتر «یک بازی رویایی» (۱۹۶۳) به کارگردانی اینگمار برگمان اختصاص داشت.

پس از نمایش این فیلم تئاتر، نشست نقد و بررسی آن با حضور عباس غفاری، میزبان و علیرضا نراقی، منتقد برگزار شد. «یک بازی رویایی» بر اساس نمایشنامه ای از یوهان آگوست استریندبرگ اجرا شده و راوی مجادلات فیلسوفان، اندیشمندان و عالمان برای کشف هستی و راه های رسیدن به سعادت است. عباس غفاری در این نشست گفت: متأسفانه ما در ایران برگمان را بیشتر به عنوان فیلمساز مولف می شناسیم؛ در حالی که او در تئاتر نیز کارهای بسیاری انجام داده است. برگمان ۶۲ فیلم ساخته اما ۱۷۰ نمایش را کارگردانی کرده است. او با تئاتر شروع کرده و بعد به سینما می آید. برگمان علاقه زیادی به ایبسن و استریندبرگ دارد و از آنها تأثیر گرفته است. او یکی از بهترین و مهم ترین کارگردان های سینماست که فیلمسازانی بسیاری چون وودی آلن از او تأثیرات فراوانی گرفته اند. برگمان با آثار خود ۵ اسکار و ۷ نخل طلای کن را برده است. اما امروز قرار است بیشتر درباره آثار تئاتری او صحبت کنیم.

علیرضا نراقی در این نشست گفت: استریندبرگ این متن را در کنار نمایشنامه «به سوی دمشق»، در ابتدای قرن بیستم نوشت. در واقع او بعد از گذراندن یک بحران روحی شدید، این دو اثر را نوشته است. آقای سمندر بیان از نمایشنامه «به سوی دمشق» اجرای تلویزیونی داشته است. شاید مقایسه نوع اجرای سمندر بیان

